

بررسی تاثیر تغییرات اظهار نظر حسابرس بر به موقع بودن افشا در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر ولی خدادادی

دانشیار گروه حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز

vkhodadadi@scu.ac.ir

سجاد ویسی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز

sajad191966@gmail.com

جواد نیک کار

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز

j.nickar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۰۲ ، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۳۰

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تاثیر تغییرات اظهار نظر حسابرس بر به موقع بودن افشا در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور چهار فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده های مربوط به ۱۰۰ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ی زمانی بین سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده های تابلویی با رویکرد اثرات ثابت، بررسی و آزمون شد. نتایج بدست آمده نشان داد، تغییر در اظهار نظر حسابرس بر به موقع بودن افشا تاثیر گذار است؛ به طوری که، بهبود اظهار نظر حسابرس سبب افزایش به موقع بودن افشا (کاهش تاخیر گزارشگری مالی) و بدتر شدن اظهار نظر حسابرس سبب کاهش به موقع بودن افشا (افزایش تاخیر گزارشگری مالی) می شود. همچنین، نتایج نشان داد شرکت هایی که بهبود بیشتری در اظهار نظر حسابرسی خود دارند نسبت به سایر شرکت ها که بهبود کمتری دارند تاخیر گزارشگری مالی (افزایش به موقع بودن افشا) کمتری دارند.

واژگان کلیدی: تغییرات اظهار نظر حسابرس، بهبود اظهار نظر حسابرس، بدتر شدن اظهار نظر حسابرس و به موقع بودن افشا.

مقدمه

به موقع بودن^۱ گزارش‌های مالی یکی از مهمترین ارکان کیفیت ارائه اطلاعات مالی شرکت‌ها است. چرا که به موقع بودن اطلاعات است که می‌تواند به استفاده بهتر و مفیدتر استفاده‌کنندگان منجر شود. بنابراین، سرعت گزارشگری به معنای میزان تاخیر زمانی در ارائه گزارش‌های مالی شرکت‌ها باید مورد توجه ویژه تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی باشد. به موقع بودن انتشار گزارش‌های مالی، می‌تواند به شفافیت بیشتر اطلاعات مالی شرکت‌ها و به همراه آن، شفافیت بالاتر بازار سرمایه منجر شود که این موضوع به نوبه خود می‌تواند تاثیر به‌سزایی بر جذابیت بازارهای مالی و سرمایه داشته باشد [۱].

افزون بر این، افراد برای تصمیم‌گیری درباره خرید یا فروش سهام نیازمند اطلاعات به موقع جهت تصمیم‌گیری می‌باشند. در چنین وضعیتی، تاخیر در انتشار اطلاعات مالی می‌تواند منجر به مشکلات قیمت‌گذاری اوراق بهادار و بی‌عدالتی در میان سرمایه‌گذارانی شود که امکان دسترسی برابر به اطلاعات با اهمیت را ندارند. هرچه تاخیر در انتشار صورتهای مالی طولانی‌تر شود، اطلاعات بیشتری به نفع سهامداران عمده افشا می‌شود و شایعه‌های زیادی در بازار سرمایه مطرح می‌شود. از این رو، انتشار به موقع اطلاعات مالی برای افراد برون سازمانی و به‌خصوص سرمایه‌گذاران جز، از اهمیت خاصی برخوردار است. بنابراین، لازم است تدابیری اتخاذ شود که تاخیر طولانی در انتشار اطلاعات مالی رفع یا کاهش یابد [۱].

یکی از عوامل تاثیرگذار بر افشای به موقع گزارش‌های مالی، پایان زمان اجرا و تکمیل عملیات حسابرسی است. مدت زمان تاخیر در اجرا و تکمیل عملیات حسابرسی به عنوان تابعی از نوع اظهارنظر حسابرسی^۲ ارائه شده در نظر گرفته می‌شود. از آنجا که

1. Timeliness

2. Audit opinion

اظهارنظرهای تعدیل یافته^۱ حسابرسی به عنوان یک خبر بد در نظر گرفته شده و باعث کندی در انتشار صورت‌های مالی می‌شود. در نتیجه، شرکت‌هایی که اظهارنظر ارائه شده در مورد صورت‌های مالی آنها مقبول است زودتر از شرکت‌هایی که اظهارنظر تعدیل یافته دریافت می‌کنند عملیات حسابرسی خود را تکمیل و اجرا می‌کنند. به عبارت دیگر، متوسط تاخیر در اجرا و تکمیل عملیات حسابرسی برای شرکت‌هایی که اظهارنظر مقبول دریافت می‌کنند کمتر از شرکت‌هایی است که اظهار نظر تعدیل یافته دریافت می‌کنند [۱۲]. بنابراین، با توجه به این که نوع اظهارنظر حسابرس بر زمان انتشار صورت‌های مالی تاثیر گذار است انتظار می‌رود که، تغییرات (جهت^۲ و بزرگی^۳) اظهارنظر حسابرس نیز بر روی به موقع بودن افشا تاثیر گذار باشد. به بیان دیگر، شرکت‌هایی که اظهارنظر حسابرسی در مورد آنها بهبود یافته، احتمالاً زودتر از شرکت‌هایی که اظهار نظر حسابرسی در مورد آنها بهبود نیافته، گزارش مالی خود را منتشر می‌کنند و بالعکس [۹]. در نتیجه، مسئله‌ای که این پژوهش بررسی می‌کند تاثیر تغییرات (جهت و بزرگی) اظهارنظر حسابرس از یک سال به سال بعد بر روی به موقع بودن افشا است.

مبانی نظری تحقیق

به موقع بودن یکی از مهمترین ویژگی‌های اطلاعات مالی محسوب می‌شود. به موقع بودن به این مفهوم است که اطلاعات باید در کوتاه‌ترین زمان و به سریع‌ترین شکل ممکن در دسترس استفاده‌کنندگان قرار گیرد. هر چه فاصله زمانی بین پایان سال مالی و تاریخ انتشار صورت‌های مالی واحد تجاری کوتاه‌تر باشد، منافع و سودمندی حاصل از صورت‌های مالی حسابرسی شده سالانه واحدهای تجاری افزایش می‌یابد. افزایش فاصله زمانی بین پایان سال مالی و تاریخ انتشار صورت‌های مالی، احتمال فاش شدن اطلاعات به نفع گروهی از استفاده‌کنندگان و به زیان سایرین را افزایش می‌دهد [۴]. افزون بر این، به موقع بودن افشای صورت‌های مالی، بر ارزش صورت‌های مالی تاثیر می‌گذارد. اگر یک خبر نامطلوب درباره سود وجود داشته باشد مدیریت ممکن است به دلیل افت قیمت سهام که

1 . Modified

2 . Direction

3 . Magnitude

باعث افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای و کاهش پاداش‌های مدیریت می‌شود از افشای به موقع این خبر اجتناب کند. این فاکتورها مدیریت را به تاخیر در افشای نتایج مالی تشویق می‌کند. اگرچه، این تاخیر ارزش گزارش‌ها را کاهش می‌دهد [۹].

از سوی دیگر، اغلب سرمایه‌گذاران نیز خرید و فروش سهام را تا انتشار گزارش‌های مالی حسابرسی شده به تاخیر می‌اندازند. سرمایه‌گذاران واکنش‌های نامطلوبی به گزارش‌های تعدیل‌یافته (غیر مقبول) حسابرسی دارند و آنها را به عنوان خبر بد تلقی می‌کنند. به همین دلیل، مدیران ممکن است وقتی که شرکت گزارش تعدیل یافته حسابرسی دریافت می‌کند افشا اطلاعات مالی را به تاخیر بیاورد [۹].

زمان افشای گزارش‌های مالی از جنبه گوناگون بررسی شده است. این مطالعات اغلب بر پایه تئوری علامت‌دهی^۱ هستند که به وسیله اسپنس^۲ (۱۹۷۳) پیشنهاد شده‌اند. تئوری علامت‌دهی به طرز گسترده‌ای در مطالعات حسابداری و حسابرسی کاربرد دارد. تئوری علامت‌دهی نشان می‌دهد، افشای به موقع صورت‌های مالی می‌تواند به عنوان یک خبر خوب برای سرمایه‌گذاران باشد. یکی از معیارهای خبر خوب، بهبود در اظهارنظرهای حسابرسی است که نوعی علامت مثبت از عملکرد شرکت به بازار ارائه می‌کند که این علامت مثبت می‌تواند تاثیر مثبتی بر قیمت بازار و انتظار سرمایه‌گذاران از عملکرد آتی شرکت، داشته باشد. در نتیجه، سبب افزایش مزایای آتی مدیران می‌گردد. بنابراین، انتظار می‌رود تغییرات مثبت اظهار نظر حسابرسی (بهبود) سبب ایجاد انگیزه در مدیران برای ارائه به موقع افشای صورت‌های مالی شود [۹].

از سوی دیگر، تاخیر در افشای صورت‌های مالی می‌تواند به عنوان خبر بد برای سرمایه‌گذاران باشد. بدتر شدن اظهارنظر حسابرسی نسبت به سال قبل برای سرمایه‌گذاران به عنوان یک خبر بد تلقی می‌شود چرا که، تغییرات منفی اظهارنظر حسابرسی، نوعی علامت منفی از عملکرد شرکت به بازار ارائه می‌کند که این علامت منفی می‌تواند تاثیر منفی بر قیمت بازار و انتظار سرمایه‌گذار از عملکرد آتی شرکت، داشته باشد که سبب

^۱ . Signaling theory

^۲ . Spence

کاهش مزایای آتی مدیران می‌گردد. بنابراین، انتظار می‌رود تغییرات منفی اظهارنظر حسابرس باعث تاخیر در به موقع بودن افشا شود [۸].

افزون بر این، نتایج مطالعات انجام شده نشان می‌دهد شدت اظهارنظرهای تعدیل یافته یکسان نیست و بستگی به نوع اظهار نظر حسابرس دارد [۱۵]. در این تحقیق، با توجه به یکسان نبودن اظهارنظرهای تعدیل یافته حسابرسی، تغییرات اظهارنظر از دو منظر بزرگی و جهت بررسی می‌شود. منظور از بزرگی، میزان اندازه تغییرات است یعنی بزرگی تغییر اظهار نظر مقبول به عدم اظهار نظر بیشتر از مشروط به عدم اظهار نظر است. همچنین، منظور از جهت تغییرات، از خوب به بد (مقبول به مشروط) یا بد به خوب (عدم اظهار نظر به مشروط) است.

اکثر تحقیقات موجود درباره اثرات بالقوه اظهارنظر حسابرسی بر روی به موقع بودن گزارش‌های مالی، گزارش‌های صادر شده حسابرس در سال جاری را بررسی کرده‌اند و تحقیق‌های اندکی در بررسی گزارش‌های حسابرسی سال قبل موجود است. بر اساس شیوه به کار گرفته شده توسط بگلی و فیشر^۱ (۱۹۹۸) که تغییرات سود از یک سال به سال بعد بررسی کردند. این پژوهش نیز تغییرات اظهارنظر حسابرس از یک سال به سال بعد را از دو بعد بزرگی و جهت بررسی و اثر این تغییرات را بر روی به موقع بودن افشا بررسی می‌کند [۸].

پیشینه تحقیق

کولینان^۲ و همکاران (۲۰۱۲) تاثیر تغییر در اظهار نظر حسابرس بر به موقع بودن افشا را بررسی کردند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد بهبود در اظهار نظر حسابرس نسبت به سال قبل سبب افشای زودتر گزارش مالی سالانه شرکت‌ها شده و عدم بهبود در اظهار نظر حسابرس سبب افشای دیرتر گزارش مالی سالانه می‌شود. همچنین، نتایج آنان نشان می‌دهد بزرگی تغییرات در اظهارنظر حسابرس نیز، سبب تاثیر بیشتری به به موقع بودن گزارشگری سالانه دارد [۹].

^۱ . Begley & Fischer

^۲ . Cullinan

آبیدین و زالوکی^۱ (۲۰۱۲) تاثیر تخصص حسابرس در صنعت را بر موقع بودن گزارشگری سالانه بررسی کردند. نتایج یافته‌های آنان نشان می‌دهد شرکت‌های دارای حسابرس متخصص نسبت به شرکت‌های دارای حسابرس غیر متخصص در به موقع بودن گزارشگری مالی برتری ندارند. در مقابل، نتایج نشان می‌دهد شرکت‌هایی که توسط چهار موسسه حسابرسی بزرگ، حسابرسی می‌شوند نسبت به سایر شرکت‌ها که توسط سایر موسسات حسابرسی می‌شوند گزارش‌های سالانه خود را به موقع تر افشا می‌کنند [۶].

تورل^۲ (۲۰۱۰)، موضوع ارتباط بین متغیرهای اندازه‌ی شرکت، درآمد، نوع حسابرس، نوع اظهارنظر و صنعت با گزارشگری به موقع در بورس استانبول را با گزارش‌های مالی یک نمونه حاوی ۲۱۱ شرکت از ۳۱۹ شرکت پذیرفته شده را بررسی کردند. نتایج نشان داد به غیر از متغیر اندازه مابقی متغیرهای مطالعه ارتباط معناداری با متغیر وابسته داشتند [۱۶].

احمد و آبییدین^۳ (۲۰۰۹)، موضوع تاخیر در ارائه گزارش‌های مالی سالانه را در بورس مالزی بررسی کردند. نمونه حاوی ۳۴۳ شرکت از ۴۱۳ شرکت درج شده در بورس مالزی انتخاب و دوره تحقیق نیز سال ۱۹۹۳ بوده است. ارتباط میان متغیرهای اندازه، تعداد شرکت‌های وابسته، نوع شرکت حسابرسی، اظهارنظر حسابرس و بازدهی حقوق صاحبان سهام، اینکه مدیر سهامدار است یا خیر، نوع صنعت، سهم بدهی بلند مدت و تاریخ پایان سال مالی با به موقع بودن ارائه گزارش‌های مالی بررسی و به جز متغیر نوع صنعت، اهرم و تاریخ پایان سال مالی بقیه متغیرها ارتباط معنی داری با متغیر وابسته داشتند [۷].

دوقان^۴ و همکاران (۲۰۰۷) در خصوص به موقع بودن گزارشگری مالی، نمونه‌ی خود را از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بین‌المللی انتخاب کردند. هدف این تحقیق بررسی رابطه چهار متغیر مستقل، اخبار خوب و بد (سود و زیان) در مورد شرکت، ریسک مالی، اندازه و نوع صنعت شرکت با به موقع بودن گزارشگری مالی بوده است. نتایج تحقیقات نشان داد، به موقع بودن زمان گزارشگری مالی، تحت تاثیر توان سود آوری

^۱ . Abidin & Zaluki

^۲ . Türel

^۳ . Ahmad & Abidin

^۴ . Dogan

شرکت است. شرکت‌هایی که دارای اخبار خوب (نرخ بازده سرمایه‌گذاری و یا نرخ بازده حقوق صاحبان سهام بالاتر) بوده‌اند زودتر از شرکت‌های دارای اخبار نامساعد، صورت‌های مالی خود را منتشر نموده‌اند. نتایج هم چنین نشان داد که، اندازه‌ی شرکت، ریسک مالی بالا، خط مشی و زمان بندی مربوط به گزارشگری به موقع سال‌های گذشته، در گزارشگری مالی به موقع شرکت‌ها موثر بوده‌اند [۱۱].

وانگ و سونگ^۱ (۲۰۰۶)، با استفاده از ۸۲۴۹ گزارش مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار شنزن و شانگ‌های طی سالهای ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳، به بررسی به موقع بودن گزارش‌های مالی سالانه شرکت‌ها در چین پرداختند. آنان عوامل موثر بر به موقع بودن گزارشگری شامل اظهارنظر حسابرسی، سود آوری، اندازه‌ی شرکت، نوع شرکت، نوع سهام و محل بازار سهام را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد سود آوری، اظهارنظر حسابرسی، اندازه‌ی شرکت، نوع شرکت، نوع سهام و محل بازار سهام، رابطه معناداری با مدت زمان گزارشگری دارد. میانگین مدت زمان گزارشگری طی دوره تحقیق ۸۸ روز بوده است [۱۷].

لونتیس و ویتمن^۲ (۲۰۰۴)، موضوع به موقع بودن گزارش‌های مالی سالانه در بورس یونان را با استفاده از اطلاعات ۲۲۷ شرکت در سال ۱۹۹۷ بررسی کردند. از بین متغیرهای سود آوری، موانع ورود، نسبت تمرکز درآمد، عرضه اولیه سهام، حجم معاملات سهام، اندازه‌ی شرکت و تعداد بندهای گزارش حسابرسی، تنها متغیرهای عرضه سهام، سود آوری، تعداد بندهای گزارش حسابرسی و نسبت تمرکز درآمد با به موقع بودن ارتباط معنادار داشته و دو متغیر دیگر ارتباط معناداری با متغیر وابسته تحقیق ندارند [۱۴].

علوی طبری و عارف‌منش (۱۳۹۲)، رابطه میان تخصص حسابرس در صنعت و تاخیر در ارائه گزارش حسابرسی را بررسی کردند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد تاخیر در ارائه گزارش حسابرسی در شرکت‌هایی که توسط حسابرس متخصص صنعت، حسابرسی شده‌اند، کوتاه‌تر است [۳]. همچنین، مهدوی و جمالیان پور (۱۳۸۹)، عوامل موثر بر سرعت گزارشگری مالی سالانه شرکت‌های بورسی در دوره ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۷ را بررسی کردند. آنان

^۱. wang & song

^۲. Leventis & Weetman

با استفاده از رگرسیون چند متغیره به بررسی رابطه بین اندازه‌ی شرکت، نسبت‌های مالی و غیر مالی و نسبت سرمایه‌گذاری مجدد سود جاری با سرعت گزارشگری مالی سالانه یا اختلاف زمانی بین موعد ارائه گزارش حسابرسی سالانه و تاریخ پایان سال مالی شرکت‌ها پرداختند. نتیجه یافته‌های آنان نشان داد که سرعت گزارشگری با انواع نسبت‌های مالی و غیر مالی ارتباط معنی‌دار داشته و شرکت‌های دارای نسبت بدهی کوچک‌تر، از سرعت بالاتری در ارائه گزارش‌های سالانه برخوردار هستند [۵].

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به مبانی نظری مطرح شده فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر بیان می‌شود؛

فرضیه‌ی اول: با کنترل سودهای پیش بینی نشده^۱، شرکت‌های با بهبود (جهت بهبود) در اظهارنظر حسابرسی، گزارش‌های مالی خود را زودتر از سایر شرکت‌ها اعلام می‌کنند.

فرضیه‌ی دوم: با کنترل سودهای پیش بینی نشده، شرکت‌های با بدتر شدن (جهت بدتر شدن) در اظهارنظر حسابرسی، گزارش‌های مالی خود را دیرتر از سایر شرکت‌هایی اعلام می‌کنند.

فرضیه‌ی سوم: با کنترل سودهای پیش بینی نشده، شرکت‌های با بهبود بیشتر (بزرگی اندازه‌ی بهبود) در اظهارنظر حسابرسی، گزارش‌های مالی خود را زودتر از شرکت‌هایی که در اظهارنظر حسابرسی بهبود کمتری دارند اعلام می‌کنند.

فرضیه‌ی چهارم: با کنترل سودهای پیش بینی نشده، شرکت‌های با بدتر شدن بیشتر (بزرگی اندازه‌ی بدتر شدن) در اظهارنظر حسابرسی، گزارش‌های مالی خود را دیرتر از شرکت‌هایی که در اظهارنظر حسابرسی عدم بهبود کمتری دارند، اعلام می‌کنند.

جامعه و نمونه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری تحقیق، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله‌ی زمانی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ است. در این تحقیق، برای تعیین نمونه‌ی آماری از روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند استفاده شد، بدین صورت که در هر مرحله از بین کلیه شرکت‌های موجود در پایان سال ۱۳۸۳، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر نباشند، حذف شده و شرکت‌های باقی مانده برای انجام آزمون انتخاب شدند:

^۱. unexpected earning

- شرکت‌ها باید در طول دوره مورد بررسی تداوم فعالیت داشته باشند.
 - نمونه‌ی آماری شامل شرکت‌های تولیدی و صنعتی باشد.
 - شرکت‌هایی که سال مالی آنها به انتهای اسفند ماه ختم می‌شود.
- در نهایت، پس از طی مراحل مزبور، تعداد ۱۰۰ شرکت برای نمونه جهت انجام آزمون فرضیه‌های تحقیق انتخاب شدند.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی همچون میانگین و میانه و شاخص‌های پراکندگی انحراف معیار انجام شده است. همچنین، برای آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون داده‌های ترکیبی استفاده شده است. برای انتخاب از بین روش‌های الگوهای رگرسیونی ترکیبی^۱ و الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت^۲ از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. اگر در آزمون F لیمر روش داده‌های ترکیبی انتخاب شود، کار تمام است اما، اگر روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انتخاب شود لازم است تا آزمون هاسمن نیز انجام شود. از آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از الگوی اثرات ثابت در مقابل الگوی اثرات تصادفی استفاده می‌شود [۲].

الگوی تحقیق

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه‌ی تحقیق، الگوی تحقیق از نوع رگرسیون چند متغیره است. بنابراین، مدل زیر برای انجام آزمون فرضیه اول و دوم انتخاب شده است [] .

الگوی شماره‌ی (۱)

$$DEL_{i,t} = \alpha_1 + \alpha_2 OPNCHG_{i,t} + \alpha_3 UE_{i,t} + \alpha_4 AS_{i,t} + \alpha_5 LEV_{i,t} + v_{i,t}$$

در مدل مزبور؛ $DEL_{i,t}$ متغیر وابسته مدل فوق و بیانگر تاخیر در گزارشگری مالی؛ $OPNCHG_{i,t}$ تغییر در اظهار نظر حسابرسان؛ $UE_{i,t}$ سود پیش‌بینی نشده؛ $AS_{i,t}$ تغییر حسابرس و $LEV_{i,t}$ اهرم مالی است.

¹. Pooled Data

². Fix Effect Panel Data

سپس برای آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم به ترتیب از مدل‌های (۲) و (۳) استفاده شده است [۹].

الگوی شماره‌ی (۲)

$$DEL_{i,t} = r_1 + s_1 DIMP_{i,t} + s_2 OPNCHG_{i,t} + s_3 DIMP_{i,t} \times OPNCHG_{i,t} + s_4 UE_{i,t} + s_5 AS_{i,t} + s_6 LEV_{i,t} + v_{i,t}$$

الگوی شماره‌ی (۳)

$$DEL_{i,t} = r_1 + s_1 DIMPM_{i,t} + s_2 OPNCHG_{i,t} + s_3 DIMPM_{i,t} \times OPNCHG_{i,t} + s_4 UE_{i,t} + s_5 AS_{i,t} + s_6 LEV_{i,t} + v_{i,t}$$

در مدل‌های مزبور؛ $DIMP_{i,t}$ بیانگر جهت تغییرات مثبت اظهار نظر حسابرِس (بهبود در اظهار نظر حسابرِس) و $DIMPM_{i,t}$ نشان دهنده جهت تغییرات منفی اظهار نظر حسابرِس (بدتر شدن اظهار نظر حسابرِس) است. همچنین، مطابق با مبانی نظری، در فرضیه سوم (مدل شماره‌ی (۲)) انتظار بر این است که $S_1 < S_2 < S_3$ و در فرضیه چهارم (مدل شماره‌ی (۳)) انتظار بر این است که $S_1 > S_2 > S_3$ باشد [۹].

متغیرهای تحقیق

الف) متغیر وابسته

در این تحقیق متغیر وابسته تاخیر گزارشگری مالی^۱ است که به وسیله بگلی و فیشر (۱۹۹۸) به صورت زیر تعریف شده است [۸].

$$DEL_{i,t} = LAG_{i,t} - LAG_{i,t-1}$$

$LAG_{i,t}$: معرف فاصله بین پایان سال مالی و تاریخ گزارشگری است.

ب) متغیرهای مستقل تحقیق

تغییر در اظهار نظر حسابرِس ($OPNCHG$): بر اساس روش دیفوند^۲ (۱۹۹۲) تغییر در اظهار نظر حسابرِس را از تفاوت بین اظهار نظر حسابرِس در سال قبل و اظهار نظر حسابرِس در سال جاری محاسبه می‌کنیم که از رابطه زیر به دست می‌آید [۱۰].

^۱ . Reporting delay

^۲ . Defond

$$OPNCHG_t = AUDOPN_{t-1} - AUDOPN_t$$

در این تحقیق، برای اندازه گیری اظهارنظر حسابرسی (AUDOPN) از متغیرهای ترتیبی^۱ بر اساس شدت اظهارنظرهای تعدیل یافته حسابرسی، که به وسیله ی لی و هو (۲۰۰۴) تعریف شد، استفاده شده است. انواع اظهارنظرهای حسابرسی با کدهای زیر تعریف شده است [۱۵]:

- عدد ۱ نشان دهنده اظهار نظر مقبول^۲ (UO).
- عدد ۲ نشان دهنده گزارش مقبول با بند توضیحی^۳ (UOEXP).
- عدد ۳ نشان دهنده گزارش مشروط^۴ (QO).
- عدد ۴ نشان دهنده گزارش مشروط با بند توضیحی^۵ (QOEXO).
- عدد ۵ نشان دهنده عدم اظهار نظر^۶ (DISC).

متغیر مجازی $DIMP_{i,t}$: در این تحقیق DIMP نشان دهنده جهت تغییرات در اظهار نظر حسابرس، و یک متغیر مجازی برای بهبود در گزارش حسابرسی است. یعنی اگر اظهار نظر حسابرس بهبود یابد (یعنی OPNCHG مثبت) عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر را می پذیرد.

متغیر مجازی $DIMPM_{i,t}$: در این تحقیق DIMPM نشان دهنده جهت تغییرات در اظهار نظر حسابرس، و یک متغیر مجازی برای بدتر شدن گزارش حسابرسی است. یعنی اگر اظهار نظر حسابرس بدتر شده باشد (یعنی OPNCHG منفی) عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر را می پذیرد.

ج) متغیرهای کنترل

سود پیش بینی نشده (UE): در این تحقیق بر اساس روش هاو و همکاران (۲۰۰۳) سود پیش بینی نشده از رابطه زیر محاسبه شده است [۱۳].

$$UE_{i,t} = NI_{i,t} - NI_{i,t-1} / TA_{i,t-1}$$

1. ordinal variable
 2. Unqualified opinion
 3. Unqualified opinion with an explanatory
 4. Qualified opinion
 5. Qualified opinion with an explanatory paragraph
 6. Disclaimer

$NI_{i,t}$: سود خالص قبل از ارقام غیر مترقبه برای شرکت i در سال t .

$TA_{i,t-1}$: مجموع دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$.

تغییر حسابرس (AS): در این تحقیق یک متغیر مجازی است که اگر حسابرس شرکت تغییر

کند عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر را می‌پذیرد [۹].

اهرم مالی (LEV): از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت به دست می‌آید [۹].

نتایج تحقیق

آماره‌های توصیفی

نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق در نگاره ی شماره (۱) نشان داده شده است.

نگاره ی شماره (۱): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
تاخیر گزارشگری مالی	-۰/۰۶۸	۰	۵۴	-۵۰	۱۲/۲۶
تغیر در اظهارنظر حسابرس (OPNCHG)	-۰/۱۰۱	۰	۳	-۳	۰/۸۳۱
بهبود در اظهارنظر حسابرس (DIMP)	۰/۱۱۲	۰	۱	۰	۰/۳۱۶
بدتر شدن اظهارنظر حسابرس (DIMPM)	۰/۱۹۴	۰	۱	۰	۰/۳۹۵
OPNCHG*DIMP	۰/۱۶۴	۰	۳	۰	۰/۴۹۹
OPNCHG*DIMPM	-۰/۲۶۵	۰	۰	-۳	۰/۵۹۶
سود پیش‌بینی نشده	۰/۰۷۶	۰/۰۱۳	۱۲/۹۹۸	-۱/۶۳۹	۰/۶۹۱
تغیر حسابرس	۰/۱۷۱	۰	۱	۰	۰/۳۷۷
اهرم مالی	۰/۶۵۶	۰/۶۴۳	۲/۲۱۲	۰/۱۳۵	۰/۲۴۸

* منبع: یافته های تحقیق

با توجه به داده‌های بدست آمده مربوط به متغیر وابسته تاخیر در گزارش حسابرسی، حداکثر بهبود در زمان گزارشگری مالی نسبت به سال قبل (افزایش به موقع بودن) ۵۰ روز و حداکثر تاخیر در گزارشگری مالی نسبت به سال قبل ۵۴ روز است. افزون بر این، داده‌های مربوط به متغیر مستقل تغییر در گزارش حسابرسی، با توجه به اینکه اظهار نظر حسابرسی، عدم اظهار نظر در نمونه تحقیق مشاهده نشد لذا بیشینه این متغیر ۳ (یعنی اگر

اظهار نظر سال قبل مشروط با بند توضیحی و امثال مقبول باشد) و کمینه این متغیر ۳- (یعنی اگر اظهار نظر سال قبل مقبول و سال جاری مشروط با بند توضیحی باشد) است. به بیان دیگر حداکثر، بهبود در گزارش ۳ و حداکثر بدتر شدن گزارش ۳- است که در دو متغیر حاصل ضرب نیز مشاهده شده است. همچنین، لازم به توضیح است به منظور اجتناب از تاثیر داده‌های پرت بر نتایج تحقیق، کلیه داده‌های پرت متغیرها در سطح یک درصد حذف شده‌اند.

آمار استنباطی

قبل از برآزش الگوها لازم است تا آزمون F لیمر به منظور بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی برای الگوهای مزبور انجام شود. نتایج حاصل از آزمون F لیمر برای الگوهای مزبور در نگاره‌ی شماره (۲) نشان داده شده است.

نگاره‌ی شماره (۲): نتایج آزمون F لیمر برای الگوهای تحقیق

الگوی مورد بررسی	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
الگوی شماره (۱)	۲/۷۵۶	۰/۰۱۱	الگوی اثرات ثابت
الگوی شماره (۲)	۲/۷۳۲	۰/۰۱۲	الگوی اثرات ثابت
الگوی شماره (۳)	۲/۸۲۱	۰/۰۱۰	الگوی اثرات ثابت

* منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به آماره و سطح خطای آزمون F لیمر برای تمامی الگوها، لازم است برای انتخاب از بین الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت یا داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی، آزمون هاسمن نیز انجام شود. نتایج مربوط به آزمون هاسمن نیز در نگاره‌ی شماره (۳) نشان داده شده است.

نگاره‌ی شماره (۳): نتایج آزمون هاسمن برای الگوهای تحقیق

الگوی مورد بررسی	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
الگوی شماره (۱)	۳/۲۰۴	۰/۵۲۴	الگوی اثرات تصادفی
الگوی شماره (۲)	۱۶/۳۹۲	۰/۰۱۱	الگوی اثرات ثابت
الگوی شماره (۳)	۱۶/۹۲۹	۰/۰۰۹	الگوی اثرات ثابت

* منبع: یافته‌های تحقیق

همانطور که در نگاره‌ی شماره (۳) قابل مشاهده است، نتایج حاکی از آن است که الگوی داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی برای الگوی شماره (۱) و الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت برای الگوهای (۲ و ۳) روش ارجح است. بنابراین، در ادامه به تخمین الگوهای تحقیق با توجه به روش ارجح پرداخته شد.

آزمون فرضیه اول و دوم

برای بررسی فرضیه‌ی اول و دوم از الگوی شماره (۱) استفاده شده است. نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌ی اول و دوم در نگاره‌ی شماره (۴) آورده شده است.

نگاره‌ی شماره (۴): نتایج حاصل از برآورد مدل تحقیق

متغیر	ضریب متغیر	آماره تی	سطح خطا
عرض از مبدا	-۱/۶۳۶	-۱/۱۰۲	۰/۲۷۰
تغییر در اضهار نظر حسابرس	-۲/۱۱۰	-۳/۸۴۵	۰/۰۰۰۱
سود پیش‌بینی نشده	۱/۶۳۷	۲/۴۸۵	۰/۰۱۳
تغییر حسابرس	۰/۰۸۰	۰/۰۶۴	۰/۹۴۸
اهرم مالی	۱/۸۵۱	۰/۹۹۷	۰/۳۱۹
ضریب تعیین		۰/۰۳۰	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۰۲۵	
آماره‌ی دوربین-واتسون		۲/۵۷۴	
آماره‌ی F		۵/۵۵۷	
احتمال آماره‌ی F		۰/۰۰۰	

* منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج قابل مشاهده در نگاره‌ی شماره (۴) و با توجه آماره‌ی F بدست آمده (۵/۵۵۷) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در مجموع الگوی تحقیق از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای الگو که برابر ۲/۵ درصد است، می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل تحقیق بیش از ۲/۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. البته باید توجه داشت که در این تحقیق بیشتر ضریب متغیر و معناداری آن مورد توجه است

حتی در تحقیق مشابه انجام شده در سال ۲۰۱۲ توسط کولینان و همکاران نیز ضریب تعیین بدست آمده مدل، در حدود ۴ درصد است. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره ی دوربین واتسون که برابر ۲/۵۷۴ است، می توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه ی اول میان باقی مانده های الگو وجود ندارد.

با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره ی شماره (۴)؛ احتمال مربوط به فرض صفر، مبنی بر تاثیر، تغییر اظهار نظر حسابرس بر تاخیر گزارشگری مالی، برابر ۰/۰۰۰۱ است که کوچکتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می شود. در نتیجه، با توجه به ضریب بدست آمده (۲/۱۱۰-) و سطح خطای (۰/۰۰۰۱) می توان ادعا کرد که ارتباط منفی معناداری میان تغییر در اظهار نظر حسابرس و تاخیر در گزارشگری مالی وجود دارد به عبارت دیگر، بهبود اظهار نظر حسابرس، سبب کاهش زمان تاخیر افشای گزارشگری مالی نسبت به سال قبل (افزایش به موقع بودن) و بدتر شدن اظهار نظر حسابرس سبب تاخیر در گزارشگری مالی نسبت به سال قبل (کاهش به موقع بودن) می شود (مطابق با تحقیق کولینان و همکاران، ۲۰۱۲).

آزمون فرضیه سوم

برای بررسی فرضیه ی سوم از الگوی شماره (۲) استفاده شده است. نتایج مربوط به آزمون فرضیه ی سوم در نگاره ی شماره (۵) آورده شده است.

نگاره ی شماره (۵): نتایج حاصل از برآورد مدل تحقیق

متغیر	ضریب متغیر	آماره تی	سطح خطا
عرض از مبدا	-۲/۰۲۳	-۱/۷۱۵	۰/۰۸۶
بهبود در اظهار نظر حسابرس (DIMP)	-۸/۵۹۳	-۲/۰۱۷	۰/۰۴۴
تغییر در اظهار نظر حسابرس (OPNCHG)	-۳/۱۸۵	-۴/۰۸۶	۰/۰۰۰
OPNCHG*DIMP	۷/۶۱۸	۲/۶۷۶	۰/۰۰۷
سود پیش بینی نشده	۲/۲۳۸	۲/۸۶۲	۰/۰۰۴
تغییر حسابرس	۰/۱۲۶	۰/۰۹۸	۰/۹۲۱
اهرم مالی	۱/۷۶۳	۱/۰۵۹	۰/۲۸۹
ضریب تعیین		۰/۰۷۵	

۰/۰۶۱	ضریب تعیین تعدیل شده
۲/۴۰۵	آماره‌ی دوربین-واتسون
۴/۷۰۸	آماره‌ی F
۰/۰۰۰	احتمال آماره‌ی F

* منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج قابل مشاهده در نگاره‌ی شماره (۵) و با توجه آماره‌ی F بدست آمده (۴/۷۰۸) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در مجموع الگوی تحقیق از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای الگو که برابر ۶ درصد است، می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل تحقیق بیش از ۶ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. البته باید توجه داشت که در این فرضیه بیشتر مقایسه ضرایب و معناداری آنها مورد توجه است حتی در تحقیق مشابه انجام شده در سال ۲۰۱۲ توسط کولینان و همکاران نیز ضریب تعیین بدست آمده مدل، در حدود ۴/۵ درصد است. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره‌ی دوربین واتسون که برابر ۲/۴۰۵ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه‌ی اول میان باقی مانده‌های الگو وجود ندارد.

با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره‌ی شماره (۵)؛ احتمال مربوط به فرض صفر، مبنی بر به موقع بودن بیشتر گزارشگری مالی برای شرکت‌ها با بهبود بیشتر اظهار نظر حسابرس، نسبت به شرکت‌هایی که بهبود کمتری دارند، کوچکتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود. افزون بر این، مطابق با مبانی نظری، در فرضیه سوم (مدل شماره‌ی (۲)) انتظار بر این است که $S_1 < S_2 < S_3$ باشد. نتایج نیز نشان می‌دهد $7/6 < -3/1 < -8/5$ است. بنابراین، می‌توان ادعا کرد شرکت‌های با بهبود بیشتر (بزرگی اندازه‌ی بهبود) در اظهار نظر حسابرسی، گزارش‌های مالی خود را زودتر از شرکت‌هایی که در اظهار نظر حسابرسی بهبود کمتری دارند اعلام می‌کنند (مطابق با تحقیق کولینان و همکاران، ۲۰۱۲).

آزمون فرضیه چهارم

برای بررسی فرضیه‌ی چهارم از الگوی شماره (۳) استفاده شده است. نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌ی چهارم در نگاره‌ی شماره (۶) آورده شده است.

نگاره‌ی شماره (۶): نتایج حاصل از برآورد مدل تحقیق

متغیر	ضریب متغیر	آماره تی	سطح خطا
عرض از مبدا	-۲/۱۸۱	-۱/۸۵۹	۰/۰۶۳
بدتر شدن اظهار نظر حسابرسان (DIMPM)	۱/۵۱۱	۰/۵۵۷	۰/۵۷۷
تغییر در اظهار نظر حسابرسان (OPNCHG)	-۰/۵۲۵	-۰/۵۲۳	۰/۶۰
OPNCHG*DIMPM	-۱/۸۷۸	-۰/۹۳۹	۰/۳۴۷
سود پیش‌بینی نشده	۲/۲۴۱	۲/۸۹۸	۰/۰۳۹
تغییر حسابرسان	-۰/۰۳۱	-۰/۰۲۴	۰/۹۸۰
اهرم مالی	۱/۶۷۶	۱/۰۰۰۴	۰/۳۱۷
ضریب تعیین		۰/۰۶۹	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۰۵۳	
آماره‌ی دوربین-واتسون		۲/۴۱۰	
آماره‌ی F		۴/۲۸۳	
احتمال آماره‌ی F		۰/۰۰۰	

* منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج قابل مشاهده در نگاره‌ی شماره (۶) و با توجه آماره‌ی F بدست آمده (۴/۲۸۳) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در مجموع الگوی تحقیق از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای الگو که برابر ۵ درصد است، می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل تحقیق بیش از ۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. البته باید توجه داشت که در این فرضیه بیشتر مقایسه ضرایب و معناداری آنها مورد توجه است حتی در تحقیق مشابه انجام شده در سال ۲۰۱۲ توسط کولینان و همکاران نیز ضریب تعیین بدست آمده مدل، در حدود ۴ درصد است. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره‌ی دوربین

واتسون که برابر $2/410$ است، می توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه ی اول میان باقی مانده های الگو وجود ندارد.

با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره ی شماره (۶)؛ احتمال مربوط به فرض صفر، مبنی بر تاخیر بیشتر گزارشگری مالی برای شرکت ها با بدتر شدن بیشتر اظهار نظر حسابرس، نسبت به شرکت هایی که عدم بهبود کمتری دارند، بزرگتر از $0/05$ است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای 5% رد می شود. افزون بر این، مطابق با مبانی نظری، در فرضیه چهارم (مدل شماره ی (۳)) انتظار بر این است که $S_1 > S_2 > S_3$ باشد. نتایج نیز نشان می دهد $-1/8 > -0/5 > 1/5$ است (مطابق با تحقیق کولینان و همکاران، ۲۰۱۲).

نتیجه گیری

در این تحقیق به بررسی تاثیر تغییرات اظهارنظر حسابرس بر به موقع بودن افشا در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. بدین منظور چهار فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده های موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در فرضیه اول و دوم تحقیق، مطابق با مبانی نظری انتظار بر این است، یکی از موارد تاثیر گذار در به موقع بودن افشا تغییر در اظهار نظر حسابرس است. به طوری که، بهبود اظهار نظر حسابرس نسبت به سال قبل، سبب افزایش به موقع بودن گزارشگری مالی سالانه می شود. زیرا، یکی از معیارهای خبر خوب، بهبود در اظهارنظرهای حسابرسی است که نوعی علامت مثبت از عملکرد شرکت به بازار ارائه می کند که این علامت مثبت می تواند تاثیر مثبتی بر قیمت بازار و انتظار سرمایه گذاران از عملکرد آتی شرکت، داشته باشد. در نتیجه، سبب افزایش مزایای آتی مدیران می گردد. بنابراین، انتظار می رود تغییرات مثبت اظهار نظر حسابرسی (بهبود) سبب ایجاد انگیزه در مدیران برای ارائه به موقع افشای صورت های مالی شود. همچنین، انتظار بر این است، بدتر شدن اظهار نظر حسابرس نسبت به سال قبل سبب تاخیر بیشتر گزارشگری مالی سالانه شود. زیرا، بدتر شدن اظهارنظر حسابرسی نسبت به سال قبل برای سرمایه گذاران به عنوان یک خبر بد تلقی می شود چرا که، تغییرات منفی اظهارنظر حسابرسی، نوعی علامت منفی از عملکرد شرکت به بازار ارائه می کند که این علامت منفی می تواند تاثیر منفی بر قیمت بازار و انتظار سرمایه گذار از

عملکرد آتی شرکت، داشته باشد که سبب کاهش مزایای آتی مدیران می‌گردد. بنابراین، انتظار می‌رود تغییرات منفی اظهار نظر حسابرس باعث تاخیر در به موقع بودن افشا شود. نتایج بدست آمده از مدل شماره‌ی (۱) نیز موید همین مطلب است. افزون بر این، مطابق مبانی نظری در فرضیه سوم انتظار بر این بود که شرکت‌های با بهبود بیشتر (بزرگی اندازه‌ی بهبود) در اظهار نظر حسابرسی، گزارش‌های مالی خود را زودتر از شرکت‌هایی که در اظهار نظر حسابرسی بهبود کمتری دارند اعلام کنند. نتایج بدست آمده از تخمین مدل شماره‌ی (۲) نیز بیانگر همین مطلب است. از سوی دیگر، مطابق مبانی نظری در فرضیه چهارم انتظار بر این بود که شرکت‌های با بدتر شدن بیشتر (بزرگی اندازه‌ی بدتر شدن) در اظهار نظر حسابرسی، گزارش‌های مالی خود را دیرتر از شرکت‌هایی که در اظهار نظر حسابرسی عدم بهبود کمتری دارند، اعلام کنند. ضرایب بدست آمده از تخمین مدل شماره‌ی (۳) نیز موید همین مطلب است اما در سطح خطای ۵ درصد تایید نمی‌گردد. در نتیجه، به صورت کلی می‌توان بیان کرد که تغییر در اظهار نظر حسابرس بر به موقع بودن افشا در شرکت‌های ایرانی تاثیر گذار است؛ به طوری که بهبود اظهار نظر حسابرس سبب افزایش به موقع بودن افشا (کاهش تاخیر گزارشگری مالی) و بدتر شدن اظهار نظر حسابرس سبب کاهش به موقع بودن افشا (افزایش تاخیر گزارشگری مالی) می‌شود. همچنین، نتایج نشان داد شرکت‌هایی که بهبود بیشتری در اظهار نظر حسابرسی خود دارند نسبت به سایر شرکت‌ها که بهبود کمتری دارند تاخیر گزارشگری مالی کمتری (افزایش به موقع بودن افشا) دارند.

محدودیت‌های تحقیق

مهم‌ترین محدودیت‌های تحقیق حاضر به شرح زیر است:

۱. عدم تعدیل اقلام صورت‌های مالی به واسطه‌ی وجود تورم که ممکن است بر نتایج تحقیق موثر باشد.
۲. عدم کنترل بعضی از عوامل موثر بر نتایج تحقیق از جمله تاثیر متغیرهایی چون عوامل اقتصادی، شرایط سیاسی، وضعیت اقتصاد جهانی، قوانین و مقررات و... خارج از دسترس محقق بوده و ممکن است بر بررسی روابط اثرگذار باشد.

پیشنهادهای تحقیق

با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق مبنی بر وجود رابطه‌ی معکوی و معنادار میان تغییر اظهارنظر حسابرس و تاخیر گزارشگری مالی پیشنهاد می‌شود سرمایه گذاران این نکته را در تصمیم‌های سرمایه گذاری خود مد نظر قرار دهند. افزون بر این، با انجام هر تحقیق، راه به سوی مسیری جدید باز می‌شود و ادامه‌ی راه مستلزم انجام تحقیق‌های دیگری است. بنابراین، انجام تحقیق‌هایی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

- بررسی مقایسه‌ای تاثیر تغییرات اظهارنظر حسابرس بر به موقع بودن افشا در صنایع متفاوت.
- بررسی تاثیر معیارهای کیفیت حسابرسی بر به موقع بودن افشا.
- بررسی دقیق‌تر عوامل راهبری شرکتی و ساختار مالکیت و تاثیر آن بر به موقع بودن افشا.

منابع

۱. اسدی، غلامحسین، باغومیان، رافیک و کامرانی، جواد. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین ویژگی‌های شرکت و به موقع بودن گزارشگری مالی میان دوره‌ای». **فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی**، سال دهم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۱، صص ۱۱۹-۱۴۶.
۲. افلاطونی، عباس و نیکبخت، لیلی. (۱۳۸۹). «کاربرد اقتصاد سنجی در تحقیقات حسابداری، مدیریت مالی و علوم اقتصادی»، انتشارات ترمه، چاپ اول.
۳. علوی طبری، حسین و عارف‌منش، زهره. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه تخصص صنعت حسابرس و تاخیر در ارایه گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، **دانش حسابداری**، سال چهارم، ش ۱۴، پاییز ۱۳۹۲، صص ۷-۲۶.

۴. مرادی، مهدی و پور حسینی، سید مهدی. (۱۳۸۸). «بررسی برخی ویژگی‌های مالی و غیر مالی و مدت زمان اجرا و تکمیل عملیات حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، **تحقیقات حسابداری**، صص ۱۶۸-۱۸۵.

۵. مهدوی، غلامحسین و جمالیان پور، مظفر. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل موثر بر سرعت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، **پژوهش‌های حسابداری مالی**، سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۹، صص ۸۹-۱۰۸.

6. Abidin, S. and Ahmad Zaluki, N. (2012). "Auditor Industry Specialism and Reporting Timeliness", **Procedia - Social and Behavioral Sciences** 65 (2012) 873 – 878.
7. Ahmad, A.C. and Abidin S. (2009). "Audit delay of listed companies: a case of Malaysia". **International Business Research**, 1 (4): 32-39.
8. Begley, J., & Fischer, P. E. (1998). "Is there information in an earnings announcement delay?", **Review of Accounting Studies**, 3, 347–363.
9. Cullinan, C, P., Wang, F., Yang, B and Zhang, J. (2012). "Audit opinion improvement and the timing of disclosure", **Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting** 28 (2012) 333–343.
10. DeFond, M. (1992). "The association between changes in client firm agency costs and auditor switching Auditing", **A Journal of Practice and Theory**, 11, 16–31.
11. Dogan, M., Coskun, E. & Celik, O. (2007). "Is Timing of Financial Reporting Related to Firm Performance? – An Examination on Ise

- Listed Companies”. **International Research Journal of Finance and Economics**, 12, 220-233.
12. Givoly, D., & Palmon, D. (1982). “Timeliness of annual earnings announcements: Some empirical evidence”. **The Accounting Review**, 57(3), 486-508.
 13. Haw, G., Park, K., Qi, D., & Wu, W. (2003). “Audit qualification timing of earnings announcements: Evidence from China. Auditing”, **A Journal of Practice and Theory**, 22(2), 121-146.
 14. Leventis, S. , & Weetman, P. (2004). “Timeliness of reporting: applicability of disclosure theories in an emerging capital market”, **Accounting and Business Research**, 34(1), 43-56.
 15. Li, S., & Wu, X. (2004). “The improvement in audit opinion and voluntary auditor switch: Descriptive statistics and implications from 1997-2003”, **Auditing Research**, 5, 13-19 (in Chinese).
 16. Türel, A. (2010). “Timeliness of financial reporting in em capital markets: Evidence from Turkey”, **Journal of the School of Business Administration**, Istanbul University, 39(2), 227-240.
 17. Wang, J., & Song, L. (2006). “Timeliness of Annual Reports of Chinese Listed Companies”, **Journal of Chinese Economics and Business Studies**, 4, 241-257.